

(تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ المدینة المنورة: ابن شبة (م. ۲۶۲ ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۴۱۰ ق؛ تاریخ مدینة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۴۱۵ ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۴۱۵ ق؛ تحصیل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ ق.)، به کوشش ابن دهیش، ۴۲۴ ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۴۰۵ ق؛ التنبيه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ ق.)، بیروت، دار صعب؛ الجامع اللطیف: محمد ابن ظهیره (م. ۹۸۶ ق.)، به کوشش علی عمر، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، ۴۲۳ ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۸ ق؛ حجاز در صدر اسلام: صالح احمد العلی، ترجمه: آیتی، مشعر، ۱۳۷۵ ش؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۴۱۴ ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۸ ق؛ العقد التمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۹ ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ ق.)، بیروت، دار القلم، ۴۱۴ ق؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، بیروت، دار الهلال، ۹۸۸ م؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، به کوشش گروهی از علما،

بیروت، اعلامی، ۱۴۱۵ ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز، بیروت، دار الافاق الجدیده؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م؛ معجم قبائل العرب: عمر کخاله، بیروت، الرساله، ۴۰۵ ق؛ المعرفة و التاریخ: الفسوی (م. ۲۷۷ ق.)، به کوشش العمری، بیروت، الرساله، ۴۰۱ ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلامی، ۴۰۹ ق؛ المفصل: جواد علی، ۴۱۳ ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۲ ق؛ المنمق: ابن حبیب (م. ۲۴۵ ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۴۰۵ ق؛ النسب: ابن سلّام الهروری (م. ۲۲۴ ق.)، به کوشش مریم محمد، بیروت، دار الفکر، ۴۱۰ ق؛ نهیة الارب: احمد بن عبدالوهاب النویری (م. ۷۳۳ ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۴۲۳ ق.

حسین مرادی نسب و گروه تاریخ



بنی شیبیه: پرده‌داران و کلیدداران کعبه از

صدر اسلام تا کنون

بنی شیبیه فرزندان شیبیه بن عثمان (اوقص^۱) بن عبدالله (ابی طلحه) از زیر مجموعه‌های بنی عبدالدار، از تیره‌های قریش، بودند.^۲ آن‌ها

۱. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۳؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۱۲؛ معجم

قبائل العرب، ج ۲، ص ۶۲۳.

۲. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۷.

است.^{۱۰} آن‌ها به مناطق پیرامون جزیره العرب مهاجرت کردند و از میان آن‌ها تیره‌هایی پدید آمد که از مشهورترین آن‌ها در عراق می‌توان به بنی‌جیبر^{۱۱}، آل حمزه^{۱۲}، آل عجینه، آل شقافی، آل مؤذن، آل ساعجی، آل عبداللطیف، آل أبوالرک و آل حاج محمد صالح اشاره کرد. برخی نیز در مصر ساکن شدند.^{۱۳} بر پایه دیدگاه مشهور نسب‌شناسان، نسل بنی‌شیبیه هیچ‌گاه در مکه گسسته نشده است.^{۱۴}

به موجب گزارشی، پس از ظهور اسلام، شیبیه و فرزندان‌شان همانند بسیاری از تیره‌های قریش در برابر پیامبر و مسلمانان ایستادند. آن‌ها که از دوران جاهلیت منصب لواء و پرچم‌داری قریش را در اختیار داشتند، با حمل پرچم مشرکان نقشی مهم را در نبردهای بدر و احد عهده‌دار بودند؛ چنان‌که پرچم مسلمانان در بدر را نیز مصعب بن عمیر از بنی‌عبدالدار بر دوش کشید.^{۱۵} شیبیه با مسلمانان سخت‌گیر بود^{۱۶} و تا فتح مکه (۸ق.) مسلمان نشد.^{۱۷} او در همان سال همراه دیگر تازه مسلمانان قریش در

را به سبب انتساب به پدرشان شیبیه، شیبی^۱ و جد اعلایشان عبدالدار، عبدری^۲ و به سبب منصب حجابیت (پرده‌داری)، حَجَبی^۳ می‌گویند. بنی‌شیبیه در جد چهارم‌شان قصی بن کلاب، با پیامبر ﷺ و در عبدالعزی با حضرت خدیجه رضی الله عنها نسب مشترک دارند.^۴ فرزندان شیبیه بن عثمان، عبدالرزاق، جیبر، عبدالله اکبر، عبدالله اصغر (الأعجم)، عبیدالله، عبدالرحمن، مصعب، مسافع،^۵ ام جمیل،^۶ صفیه^۷ و ام حجر/حَجیر^۸ هستند که بنی‌شیبیه را تشکیل می‌دهند. گروهی از بنی‌شیبیه که ساکن عراق بودند، به کلیدداری حرم امام جواد و امام کاظم علیه السلام به دست سلطان سلیم عثمانی در ۹۷۸ق. رسیدند و این مقام در خاندانشان ادامه یافت.^۹

بنی‌شیبیه در همسایگی کعبه می‌زیستند. از این رو، یکی از باب‌های مسجدالحرام به نام بنی‌شیبیه شهرت یافت. این نشانگر جایگاه معنوی و اجتماعی آن‌ها از دوران پیش از اسلام

۱. الانساب، ج ۸، ص ۲۰۸.

۲. الانساب، ج ۹، ص ۱۸۴.

۳. الانساب، ج ۸، ص ۲۰۸.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۴.

۵. نسب قریش، ص ۲۵۳؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۷.

۶. الطبقات، ج ۵، ص ۳۳۰.

۷. الطبقات، ج ۶، ص ۳۴؛ الانساب، ج ۴، ص ۷۰.

۸. الطبقات، ج ۶، ص ۲۳؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴.

۹. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۱۰، ق ۲، ص ۱۲۷.

۱۰. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۶؛ احسن التقاسیم، ص ۷۳.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۱۴.

۱۲. معجم قبائل العرب، ج ۲، ص ۷۹۴.

۱۳. نهاية الارب، ج ۱، ص ۳۱۰.

۱۴. تاریخ مکه، ص ۶۶۵.

۱۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۶۰؛ المنتظم، ج ۳، ص ۱۰۶.

۱۶. المغازی، ج ۳، ص ۹۰۹؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴.

۱۷. الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۱۲؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۳۸۲.

غزوه حنین شرکت کرد.^۱ از نقش شبیه و فرزندان‌ش در دوران مدنی پیامبر و همراهی آن‌ها با قریش در نبردهای این دوره گزارشی در دست نیست. اما بر پایه گزارش‌هایی، پدر و برخی از برادرانش در اُحد کشته شدند.^۲

◀ بنی‌شیبیه و مقام پرده‌داری:

پرده‌داری کعبه به عنوان یکی از مناصب مکه پس از قصی بن کلاب به فرزندش عبدالدار^۳ رسید و پس از او در تبارش تداوم یافت.^۴ گزارشی که با قراین تاریخی سازگار نیست، از پرده‌داری شبیه بن عثمان در روزگار حمله ابرهه به مکه (۴۰ سال پیش از بعثت) خبر می‌دهد.^۵ از پرده‌داری شبیه تا عصر اسلامی خبری در دست نیست. اخبار تاریخی حکایت دارند که در آغاز اسلام، عثمان بن طلحه بن ابی طلحه پرده‌دار بوده است؛^۶ اما با توجه به نبود شواهدی بر این مدعا، نمی‌توان مسؤولیتی را برای بنی‌شیبیه یاد کرد. عثمان را پسر عمو،^۷

عمو، برادر^۸ یا پدر شبیه دانسته‌اند.^۹ بر پایه گزارش‌ها، در فتح مکه، پیامبر ﷺ کلید در کعبه را از عثمان گرفت و با ورود به خانه خدا^{۱۰} به شست‌وشوی درون آن و زدودن آثار شرك و بت‌پرستی پرداخت.^{۱۱} او پس از نزول آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء/۵۸)، که مضمون آن فرمان خداوند به بازگرداندن امانت‌ها به صاحبانشان است^{۱۲}، کلید کعبه را در خطاب به عثمان بن طلحه و شبیه بن عثمان بن طلحه، با خطاب «یا بنی‌ابی طلحه» تا روز قیامت در اختیار این خاندان گذاشت و آن‌ها را به محترم شمردن کعبه سفارش کرد.^{۱۳} برخی مخاطب رسول خدا را بنی‌شیبیه دانسته‌اند که فرمود: «هاکم المفتاح یا بنی‌شیبیه»^{۱۴} به گزارشی دیگر، پیامبر ﷺ کلید را در اختیار عثمان و شبیه قرار داد و فرمود: «خذاها خالدة تالدة لا ینزعها [یا بنی‌ابی طلحه] منکم

۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۷.

۹. الاصابه، ج ۶، ص ۸۵؛ قلاند الجمان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۱۰. جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۷.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۵۸؛ المغازی، ج ۲، ص ۸۳۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۵۵۱.

۱۲. تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ عین العبره، ص ۱۲؛ البرهان، ج ۳، ص ۵۷۹؛ التفسیر المظهری، ج ۲، ق ۲، ص ۱۴۷.

۱۳. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ تاریخ دمشق، ج ۲۳، ص ۲۵۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۸۲؛ تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۳۹۶.

۱۴. منائح الکرم، ج ۱، ص ۳۸۶.

۱. الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۱۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۲۷؛ الاصابه، ج ۶، ص ۴۹۱.

۳. المحبر، ص ۱۶۷؛ الاعلام، ج ۳، ص ۲۹۲.

۴. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۳۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۶۰.

۵. سیره ابن اسحق، ص ۶۲؛ دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۱۴۴.

۶. الطبقات، ج ۲، ص ۱۰۴؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۷۷؛ شرف النبی، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۹؛ الجوهرة فی نسب النبی، ج ۱، ص ۶۴.

إلّا ظالم»^۱ بر این اساس، بنی‌شیبیه باور دارند که آن‌ها مورد خطاب پیامبر قرار گرفتند و تا قیامت صاحبان منصب کلیدداری کعبه هستند. از این رو، جایگاه معنوی بس‌والایی برای خود باور داشته و از این رهگذر، در طول تاریخ، موقعیت اجتماعی و دینی بالا و نیز ثروت فراوان کسب کرده‌اند. (← ادامه مقاله) جنبه معنوی این منصب موجب شده تا شیبی‌ها در طول تاریخ مورد توجه ویژه خلفا، سلاطین، امیران و مردم باشند.^۲ اما با توجه به مشروعت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی رهاورد این مقام برای بنی‌شیبیه، احتمال جعلی بودن این روایت وجود دارد؛ به رغم ادعای بنی‌شیبیه و گزارش غیر مشهور یاد شده، گزارش‌ها حکایت دارند که بنی‌شیبیه تا عصر خلفا عهده‌دار پرده‌داری کعبه نبوده‌اند.

◀ بنی‌شیبیه و خلفای چهارگانه:

بنی‌شیبیه پس از رسیدن به مقام کلیدداری کعبه بیشتر مورد تکریم خلفا بودند. بر پایه گزارشی، شیبیه در دوران خلافت عمر بن خطاب (حک: ۱۳-۲۳ق.) به وی که می‌خواست اشیای گرانبهای کعبه را تقسیم کند، سفارش کرد تا با عمل به سیره پیامبر ﷺ و ابوبکر از این اقدام سر باز زند و عمر این

سفارش را پذیرفت.^۳ در این گزارش، به پرده‌داری شیبیه تصریح نشده است؛ در گسترش مسجدالحرام در دوران خلافت عثمان (۲۶ق.) کسانی که نزدیک مسجدالحرام خانه داشتند و گویا بنی‌شیبیه هم در میانشان بودند، درباره خرید خانه‌ها به خلیفه اعتراض کردند که به زندانی شدنشان انجامید و سرانجام ماجرا با میانجیگری عبدالله بن خالد بن اسید پایان یافت.^۴

شیبیه بن عثمان در روزگار علی (علیه‌السلام) مدتی کوتاه از سوی بسر بن اوطاة که از سوی معاویه برای سرکوب شیعیان مکه و مدینه^۵ مأمور شده بود، پس از گریختن قثم بن عباس، کارگزار امام علی (علیه‌السلام)، امیر مکه شد. برخی نیز گویند که خود مردم مکه او را به عنوان امیر برگزیدند.^۶ همچنین به سال ۳۹ق. هنگام ستیز قثم با یزید بن شجره رهاوی، فرستاده معاویه، درباره سالاری حج، مردم بر شیبیه بن عثمان توافق کردند.^۸

◀ بنی‌شیبیه در دوران اموی: از روابط

۳. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ تاریخ دمشق، ج ۲۳، ص ۲۶۰؛

تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۴۰؛ التاریخ القویم، ج ۲، ص ۴۷۰.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۵۱؛

اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۶۹.

۵. الغارات، ج ۲، ص ۵۰۸.

۶. الغارات، ج ۲، ص ۶۰۸؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۱۱؛ الفتوح،

ج ۴، ص ۲۳۶.

۷. الغارات، ج ۲، ص ۶۲۰.

۸. مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۱. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۳۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۸۲.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ السیرة النبویه، ج ۱،

ص ۱۲۹-۱۳۰؛ المنق، ص ۱۹۰.

بنی‌شیبیه با امویان آگاهی‌های اندکی در دست است. هنگامی که معاویه به سال ۴۴ق. دارالندوه* را از فردی عبدی خرید و حق شفعه شیبیه را مراعات نکرد، شیبیه سوگند یاد کرد که هرگز با معاویه سخن نگوید و در سفر بعد معاویه به مکه، از باز کردن در کعبه برایش خودداری کند و مسئولیت این کار را به نوه خردسالش شیبیه بن جبیر بسپارد.^۱

بر پایه گزارش‌های مشهورتر، شیبیه بن عثمان به سال ۴۲ق. پس از درگذشت عثمان بن طلحه که عقیق بود^۲، کلیدداری را بر عهده گرفت^۳ و تا حکومت یزید به سال ۶۱ق. عهده‌دار این منصب بود.^۴ در حقیقت از این هنگام به بعد با رسیدن جبیر بن شیبیه به این مقام، بنی‌شیبیه به منصب پرده‌داری و کلیدداری دست یافتند؛ در برابر، برخی عقیق بودن عثمان را انکار و برای وی فرزندی به نام عبدالله یاد کرده‌اند که وی و فرزندانش پرده‌دار کعبه بودند.^۵ بر این اساس، شاید واگذاری این منصب به شیبیه به سببی دیگر چون کهولت سن و جایگاه اجتماعی‌اش بوده

است. برخی منابع از عمر طولانی شیبیه سخن گفته و درگذشت وی را در روزگار حکومت یزید (۶۱-۶۴ق.) دانسته‌اند.^۶

بنی‌شیبیه معمولاً مورد تکریم خلفا بودند. از روابط آن‌ها با خلفای اموی گزارشی در دست نیست؛ جز آن که شیبیه هنگام عطرآگین نمودن دیوارهای کعبه در روزگار معاویه شرکت داشت.^۷ نیز در دوره یزید بن معاویه، یکی از نوادگان ابی‌طلحه به نام یزید بن مسافع بن طلحه در قیام حره (۶۳ق.) در مدینه به دست نیروهای شامی کشته شد.^۸ بر پایه گزارش‌های، ولید بن عبدالملک (حك: ۸۶-۹۶ق.) ادعا نمود که هزینه‌های کعبه بر عهده او است و نباید بنی‌شیبیه هدایای کعبه را دریافت کنند. از این رو، تصمیم گرفت تا بنی‌شیبیه را از تملك هدایای کعبه محروم کند. اما بنی‌شیبیه با همکاری و مساعدت حجاج بن یوسف، ولید را قانع نمودند تا مانند پدرش عبدالملک آن‌ها را همچنان از هدایای کعبه بهره‌مند سازد.^۹

در حکومت خالد بن عبدالله قسری* بر مکه^{۱۰} هنگامی که یکی از شخصیت‌های

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۶۳؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۱۰، ۲۶۹-۲۷۰؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۳۴، ۳۷.

۲. منائح الکرم، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸؛ تاریخ خلیفه، ص ۱۲۵؛ الاصابه، ج ۳، ص ۲۹۹.

۴. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۵؛ الاصابه، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۵. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۷۷.

۶. تاریخ خلیفه، ص ۱۵۵؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴.

۷. کعبه و جامعه آن، ص ۲۷۸.

۸. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۴؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۸؛ الاصابه، ج ۳، ص ۵۲۷.

۹. انساب الاشراف، ج ۸، ص ۷۳؛ مسالك الاصابه، ج ۲۴، ص ۴۰۱.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۷۶.

گونگون حاکمی از همکاری نزدیک میان بنی‌شیشه و زیریان در دولت ده ساله ابن زبیر در مکه است. جبیر بن طلحه شیبی، کلیددار کعبه به سال ۶۵ق.^۵ یکی از اعضای گروه مشورتی ابن زبیر بود که وی بدون نظرخواهی از آنها کاری نمی‌کرد.^۶ او در حمایت از ابن زبیر با عمرو بن زبیر که از سوی یزید مأمور دستگیری برادرش شده بود، مذاکره کرد و وی را نکوهش نمود.^۷ وی در نبرد ابن زبیر با سپاه یزید، او را یاری می‌کرد.^۸ خانه بنی‌شیشه هنگام بازسازی کعبه در روزگار ابن زبیر (۶۴-۶۵ق.) محل نگهداری اموال و پرده خانه کعبه از سوی زیریان شد.^۹ با همکاری جبیر بن شیشه در بازسازی کعبه در دوران خلافت ابن زبیر، وی توانست باترفندی، هنگام نماز جماعت، افتخار نصب حجرالاسود در جای خود را نصیب خود یا پسرانش حمزه یا عباد^{۱۰}، از خاندان پرده‌داران کعبه، کند که این کار اعتراض بسیاری را برانگیخت.^{۱۱} حجاج بن یوسف در نبرد با ابن زبیر (۷۳ق.) خانه

بنی‌شیشه او را از رفتار نادرستش بازداشت و نهی از منکر کرد، حکمران با وی تندی نمود و با نادیده گرفتن فرمان خلیفه درباره وی، او را ۱۰۰ ضربه تازیانه زد. با شکایت عبدالله به سلیمان بن عبدالملک (حك: ۹۶-۹۹ق.) وی دستور داد تا خالد را قصاص و دستانش را قطع کنند.^۱ برخی از منابع، خودداری پرده‌دار از باز کردن در کعبه در هنگام غیر معمول برای خالد یا سرقت اموال حاجیان به دست آنها را دلیل خشم خالد دانسته‌اند.^۲ از رابطه بنی‌شیشه با دیگر خلفای اموی گزارشی در دست نیست؛ جز آن که آورده‌اند که نبیه بن وهب شیبی، یکی از فقیهان، در فتنه دوران خلافت ولید بن یزید (۱۲۶ق.) کشته شد.^۳

در این زمان، بنی‌شیشه امام باقر(ع) را که با فتوهایش درباره دست اندازی آنها به هدایا و نذورات کعبه واکنش نشان می‌داد، به گمراهی و بدعت‌گذاری متهم کردند. در برابر، امام آنان را سارقانی دانست که اگر قدرت یابد، دستان آنها را به جرم سرقت اموال کعبه قطع خواهد کرد.^۴

بنی‌شیشه و زیریان: گزارش‌های

۵. تاریخ الکعبة المعظمة، ص ۸۵.
۶. الطبقات، خامسه ۲، ص ۴۹؛ تاریخ دمشق، ج ۲۸، ص ۲۰۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۴۴۲.
۷. تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۴۴۲.
۸. انساب الاشراف، ج ۵، ص ۳۴۷.
۹. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۰۷؛ سبل الهدی، ج ۱، ص ۱۶۷.
۱۰. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ محاضرة الابرار، ج ۱، ص ۱۹۱.
۱۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۰۵؛ جمهرة انساب العرب، ص ۱۲۷.
۲. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ تاریخ دمشق، ج ۲۹، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۳. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۴۱۴.
۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۲.

بنی شیبیه و حارث بن خالد را به عنوان خانه امن اعلام کرد و زیریان با پناه بردن به آن در امان ماندند.^۱

◀ **بنی شیبیه و عباسیان:** بنی شیبیه از آغاز خلافت عباسیان با آن‌ها رابطه‌ای دوستانه داشتند؛ چنان که در روزگار خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ ق.) و هنگام حکمرانی زیاد بن عیدالله حارثی، دایی سفاح، بر مکه (۱۳۸ ق.) عبدالعزیز بن عبدالله شیبی رئیس شرطه او شد.^۲ نیز بنی شیبیه به سرکردگی ابوالرزام شیبی در قیام محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) به سال ۱۴۵ ق. با پنهان کردن سری بن عبدالله، امیر مکه (۱۴۳-۱۴۵ ق.) از عباسیان حمایت کردند.^۳ عبدالله بن شعیب و محمد بن اسماعیل بن ابراهیم از بنی شیبیه، در دوران خلافت مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ ق.) برای ترمیم مقام ابراهیم علیه السلام^۴ و نیز نوسازی جامه کعبه (۱۶۰ ق.) با او همکاری کردند. در روزگار هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ق.) چند تن از بنی شیبیه، از جمله عبدالکریم بن شعیب حجبی رئیس شرطه مکه، و عبدالعزیز بن عبدالله بن مسافع به عنوان پرده‌داران کعبه، شاهد عهدنامه

هارون برای ولایت‌عهدی فرزندانش بودند و از این عهدنامه تا هنگام خلافت امین (۱۹۳-۱۹۸ ق.) پاسداری کردند. محمد بن عبدالله بن عثمان شیبی که خود نیز از شاهدان عهدنامه بود، در درگیری امین و مأمون، عهدنامه هارون را به فضل بن ربیع، وزیر امین، برای ابطال تحویل داد و در برابر آن پاداشی هنگفت دریافت کرد.^۵

در دوران خلافت مأمون، هنگامی که مردم مکه با محمد دیباج (۱۹۸-۲۰۰ ق.) از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام بیعت کردند، محمد پنج هزار دینار از پرده‌دار کعبه برای انجام امور حکومتی وام گرفت که پس از مصالحه آن‌ها با مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق.) بازپرداخت شد.^۶ آن‌ها هنگام حمله ابراهیم بن موسی علوی (۲۰۰ ق.) از سوی یمنی‌ها به مکه، با اندوخته‌های طلای کعبه که مأمون اهدا کرده بود، یزید بن محمد، عامل مأمون، را یاری کردند.^۷ از این هنگام تا حکمرانی اشراف حسنی بر مکه (۳۵۸-۱۳۴۳ ق.) از بنی شیبیه گزارشی در دست نیست.

◀ **بنی شیبیه در حکمرانی اشراف:** در این عصر که حدود ده سده به طول انجامید، مقام سنتی بنی شیبیه چون گذشته حفظ شد.

۱. انساب الاشراف، ج ۷، ص ۱۲۶.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۷۲.

۳. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۷۵.

۴. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۳۶؛ شرف النبی، ص ۴۰۶.

۵. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۷۲؛ ج ۱، ص ۲۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۷۷.

۶. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۴.

(م. ۱۲۹۹ق.) نیز شیخ عبدالرحمن شیبی را از وظیفه سدانت کعبه برکنار کرد و سپس او را از مکه تبعید نمود و این منصب را به شخصی دیگر از همان خاندان سپرد.^۶

این گزارش‌ها نشان می‌دهند که امیران مکه اجازه عزل و نصب پرده‌داران را به خود می‌دادند؛ اما این منصب را از خاندان بنی‌شیبه بیرون نمی‌ساختند. نبود گزارشی درباره برکناری بنی‌شیبه از سوی قدرت‌های مجاور صاحب نفوذ در مکه، نشان می‌دهد که امیران مکه بر کار پرده‌داران اشراف داشته‌اند؛ از نقش برخی از بنی‌شیبه در تحولات و رخدادهای مکه گزارش‌هایی در دست است. محمد شیبی در فتنه‌ای هنگام حکمرانی شریف یحیی بن سرور (۱۲۲۸ق.) به سبب کشته شدن شریف شنبه، امیر عرب بادیه‌نشین، به دست یحیی که موجب هجوم فرمانده منصوب از سوی محمد علی پاشا، دوست مقتول، به قصر امیر یحیی شد، میانجیگری کرد.^۷ شیبی‌ها گاهی نیز با مخالفان اشراف همدست می‌شدند؛ چنان‌که به سال ۱۳۱۱ق. شیخ عمر بن جعفر شیبی همراه گروهی از شخصیت‌های مکه، در اختلاف میان امیر مکه شریف بن الرقیق بن محمد و حکمران عثمانی حجاز، جانب عثمان نوری پاشا، والی حجاز،

البته اشراف گاه با زیاده‌خواهی آن‌ها رویارویی می‌کردند؛ چنان‌که شریف ابوهاشم محمد بن جعفر به سال ۴۳۷ق. به همین سبب با پرده‌دار کعبه برخورد کرد.^۱ نیز امیر مُکَثیر حسنی (م. ۵۸۹ق.) فرمان دستگیری و مصادره اموال محمد بن اسماعیل شیبی را صادر و وی را از شغل پرده‌داری بیت الحرام برکنار کرد.^۲ همچنین به سال ۹۹۶ق. بر پایه آیین همه ساله، روز ۲۷ رمضان هنگامی که در کعبه به دست شیخ عبدالواحد شیبی به روی زنان گشوده شد، به دلیل بی‌دقتی او، کلید کعبه را از دامنش ربودند.^۳ در محکمه شرعی اثبات شد که عبدالواحد برخی از قنادیل کعبه را به شریف احمد داده است. از این رو، امیر مکه شریف محسن (م. ۱۱۰۱ق.) کلید کعبه را از او گرفت و به برادرش عبدالله سپرد.^۴ شریف عبدالله بن سعید نیز هنگام امارتش بر مکه (۱۱۳۶ق.) در شورش گروهی از اشراف، محمد بن عبدالمعطی شیبی کلیددار کعبه را به جرم حمایت از مخالفانش دستگیر نمود و غرامتی سنگین از وی گرفت و کلیدداری را به یکی از عموزادگانش سپرد.^۵ عون الرقیق امیر مکه

۱. نك: عمدة الطالب، ص ۱۱۳، ۱۲۵.

۲. سفرنامه ابن جبیر، ص ۱۲۷؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۹۹.

۴. تاریخ مکه، ص ۳۹۴.

۵. تاریخ مکه، ص ۴۲۱.

۶. مرآة الحرمين، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۷۸، ۴۴۴.

۷. تاریخ مکه، ص ۵۱۶.

را گرفت. پس از رفع این ستیز، سلطان عبدالحمید عثمانی افزون بر حکمران حجاز، همه همراهان او از جمله شیخ عمر را از مناصبشان برکنار و از حجاز تبعید کرد. البته این حکم درباره پرده‌دار کعبه با تخفیف اجرا شد و وی تنها از مکه بیرون رانده شد و تا هنگام مرگ به سال ۱۳۲۰ق. در قریه هدا در ۷۰ کیلومتری شرق مکه مسکن گزید.^۱

بنی‌شیبیه افزون بر پرده‌داری، گاهی از سوی اشراف به مناصب دیگر گماشته می‌شدند. انتخاب شیخ حسن عبدالقادر شیبی به دست امیر مکه شریف حسین بن علی به سال ۱۳۲۷ق. برای نمایندگی مجلس، از آن جمله است که پس از همکاری آن دو انجام شد.^۲

◀ **بنی‌شیبیه و آل سعود:** آل سعود پس از سلطه بر حجاز از سال ۱۳۴۳ق. بنی‌شیبیه را همچنان بر پرده‌داری کعبه ابقا نمودند و جامه کعبه و ضمایم آن را در اختیار آن‌ها قرار دادند.^۳ اما اکنون آل سعود به دلیل تحریم تبرک جستن مردم به اشیای کعبه و به بهانه این که پرده‌های کعبه در شمار آثار تاریخی به شمار می‌روند، از فروش آن‌ها پیشگیری می‌کنند و در برابر، مبلغی به پرده‌داران کعبه

می‌پردازند.^۴ بنی‌شیبیه همچنین از سوی آل سعود مناصبی همانند ریاست برخی از شوراهای دولتی و نیابت دوم مجلس شورای مکه و ریاست کمیته پیگیری اوقاف حرمین شریفین و ریاست کمیته امداد پزشکی را بر عهده دارند.^۵ شیخ عبدالقادر شیبی مورد توجه ملک عبدالعزيز بود و همراه پرده‌داری به مدت ۱۶ سال، برخی از مناصب دولتی را نیز بر عهده داشت.^۶

◀ **جایگاه اجتماعی بنی‌شیبیه:** همه امیران و حکومت‌ها پرده‌داری بنی‌شیبیه را به رسمیت شناخته‌اند و هر چند گاهی به برکناری برخی از آنان می‌پرداختند، هرگز پرده‌داری را از خاندان آن‌ها بیرون نداشتند. حتی هنگامی که برخی از پرده‌داران عقیم بودند و یا فرزندشان خردسال بود، امیر مکه کفالت او را بر عهده می‌گرفت تا بزرگ شود؛ چنان که پس از درگذشت عبدالقادر شیبی که عقیم بود و فرزند پسری نیز از نسل شیبیه وجود نداشت، منصب پرده‌داری به محمد بن زین العابدین که کودک بود، رسید و شریف غالب بن مسعود، امیر مکه، به سال ۱۲۱۰ق. کفالت او را بر عهده گرفت و چون وی بزرگ شد، او را رسماً به عنوان پرده‌دار تعیین کرد. او به

۱. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲. تاريخ مکه، ص ۶۵۶، ۶۶۱.

۳. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۱۵.

۴. اعلام الانام، ص ۴۷؛ کعبه و جامه آن، ص ۲۸۵.

۵. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۲۰۱.

۶. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۲۰۱.

مدت ۴۳ سال تا هنگام درگذشتش (۱۲۵۳ق.)
 پرده‌دار بود.^۱ انتخاب پرده‌دار معمولاً از میان
 کهنسالان بنی‌شیبیه انجام می‌گیرد^۲ و
 بزرگ‌ترین فرد خانواده به این منصب انتخاب
 می‌گردد. این مسؤولیت تنها بر عهده مردان
 بنی‌شیبیه نهاده می‌شود؛ بنا بر يك گزارش،
 شمار افراد خانواده شیبی در دوران کنونی
 حدود ۸۲ تن است که نیمی از آن را مردان
 تشکیل می‌دهند. نزار عبدالعزيز شیبی از
 پرده‌داران اخیر خانه خدا است. از وی تا کنون
 ۵۸ کلید خانه خدا به ثبت رسیده که در
 موزه‌های گوناگون نگهداری می‌شوند.^۳

اهمیت منصب پرده‌داری و اختصاصی بودن
 آن در بنی‌شیبیه، موجب شده تا اشخاصی
 ادعای نسب بردن به آن‌ها را داشته باشند؛
 چنان‌که در یمن فردی مدعی چنین نسبی شد
 و حتی دو تن در مکه بر ادعای او صحه
 گذاشتند؛ اما وی نتوانست به مقصود خود نائل
 آید.^۴

از وظایف آن‌ها می‌توان به محافظت از
 پرده کعبه، ترمیم و تعویض آن، محافظت از
 رکن‌ها و مقام‌ها، نگهداری از در کعبه و کلید
 آن و پوشش در، ترمیم و تزیین آن، و

عطر آگین کردن کعبه و شست‌وشوی آن^۵
 اشاره کرد. بنی‌شیبیه کیسه‌ای برای کلید در
 کعبه ساخته، آن را همراه کلید نزد بزرگ
 خاندان بنی‌شیبیه می‌نهادند.^۶ به روایتی،
 پیامبر ﷺ آن‌ها را به پنهان کردن کلید فرمان
 داد و خود نیز با جامه‌اش کلید را پوشاند.^۸
 شاید از همین رو، آن‌ها هنگام گشودن در
 کعبه، پرده‌ها را فرومی‌افکنند؛ بنی‌شیبیه باز و
 بسته کردن در کعبه را پس از نصب پلکان
 انجام داده، به مردم اجازه ورود به درون بیت
 را می‌دادند. این کار در دو نوبت جمعه و
 دوشنبه جداگانه برای زنان و مردان انجام
 می‌شد که بعدها به روزهای خاص سال
 منحصر گشت.^۹ گاهی شاید به سبب ازدحام
 جمعیت برای ورود به درون کعبه، با حاجیان
 بدرفتاری می‌کردند.^{۱۰} از این رو، برخی از
 امیران مکه همانند خالد بن عبدالله قسری،
 پرده‌دار را توبیخ کردند که در کعبه را در
 هنگام غیر معمول باز کرده بود.^{۱۱} بنی‌شیبیه
 گاهی ورود حاجیان به درون کعبه را آسان‌تر
 می‌ساختند و در را در طول ایام حج، شب و
 روز باز می‌گذاشتند؛ چنان‌که هنگام حضور

۶. کعبه و جامه آن، ص ۲۷۸.

۷. کعبه و جامه آن، ص ۲۲۴.

۸. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۳۹۲؛ سبل الهدی، ج ۵، ص ۲۴۵.

۹. منافع الکرم، ج ۱، ص ۲۸۹-۳۹۰.

۱۰. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۵۳۴.

۱۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۱۶۹.

۱. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۱۹۹.

۲. منافع الکرم، ج ۱، ص ۳۸۵.

۳. کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، ص ۱۳۲.

۴. تاریخ مکه، ص ۶۴۵.

۵. شرف النبی، ص ۴۰۶.

مسعود، حاکم یمن، در مکه (۶۱۹-۶۲۶ق.) در برابر دریافت کمک‌های مالی چنین کردند.^۱ پرده کعبه همه ساله تعویض می‌گردد. پرده کهن را بنی‌شبیبه به خود اختصاص داده، با قطعه قطعه کردن، آن را به حاجیان می‌فروختند.^۲ تعویض آن در نهم ذی‌حجه و هنگامی که حاجیان به عرفات می‌روند، انجام می‌شود و بنی‌شبیبه کنار حاکمان حضور دارند؛ محافظت برخی از اشیاء متعلق به کعبه در اختیار بنی‌شبیبه قرار می‌گرفت؛ چنان‌که به سال ۱۲۷ق. پلکان کعبه اهدایی حسین حمدان هندی که امیر مکه آن را به بهانه عدم اجازه از دولت عثمانی پس از نصب چند روزه برداشته بود، برای محافظت به خانه شیخ عبدالقادر شبی انتقال یافت.^۳ هنگام درگیری آل‌زبیر با خُصین بن نمیر فرمانده سپاهیان یزید (۶۴ق.) که کعبه به منجیق بسته شد و حجرالاسود آسیب دید، جبیر بن شبیبه تکه‌های آن را در پارچه‌ای قرار داد. پس از بازسازی کعبه به دست ابن‌زبیر، حجر را در جای خود نهادند.^۴

نیز جمع‌آوری تکه‌های حجر و مرمت آن که در فتنه مصری‌ها در روز یازدهم ذی‌حجه

سال ۴۱۳ق. آسیب دید و چسباندن آن با خمیری از مشک و لاک^۵ و همچنین چسباندن تکه‌های حجر به یکدیگر در فتنه قرمطیان (۳۱۷ق.)^۶ از جمله همین اقدامات است. بنی‌شبیبه گاهی برای ترمیم مقام ابراهیم از خلفا کمک مالی دریافت می‌کردند.^۷ بنی‌شبیبه در شست‌وشوی درون کعبه که به تأسی از رسول خدا ﷺ انجام می‌گیرد، کنار امیر مکه و رئیس امور مسجدالحرام و سفرای دول خارجی حضور می‌یابند. این آیین در هر سال دو بار، یکی ماه شعبان و دیگری ذی‌حجه، انجام می‌گیرد و در آن، کعبه با آب زمزم آمیخته با گلاب و مشک شست‌وشو می‌شود.

◀ **درآمدهای بنی‌شبیبه:** بیشتر درآمد آن‌ها از نذورات و هدایای کعبه و فروش آن‌ها از جمله پرده کعبه بود^۸ که از این راه، اموال بسیار کسب می‌کردند.^۹ آن‌ها در طول تاریخ به پشتوانه اجازه دانشوران و سیره گذشتگان، تصرف در اموال و پوشش کعبه را

۵. الارج المسکی، ص ۱۱۵.

۶. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۰۴.

۷. الاستبصار، ص ۱۷.

۸. شرف‌النبی، ص ۴۰۶.

۹. منافع‌الکرم، ج ۱، ص ۴۹۸.

۱۰. آثار البلاد، ص ۱۱۵؛ الارج المسکی، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ تحصیل

المرام، ج ۱، ص ۲۷۸.

۱۱. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۰؛ التاریخ القویم، ج ۲، ص ۵۶۰.

۱. تاریخ مکه، ص ۲۹۳.

۲. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۰.

۳. التاریخ القویم، ج ۴، ص ۱۴۱.

۴. اخبار مکه، زررقی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ مصباح الحرمین، ص ۷۲.

حق خود دانسته، همواره از فروختن آن‌ها به حاجیان کسب درآمد می‌کردند.^۱

بنی‌شیبیه باور داشتند که اگر کسی به مال کعبه (ابرق*) دست‌درازی کند، کیفر این خیانت را در دنیا با گرفتار شدن به فقر و از میان رفتن مال و مکت و سختی جان دادن خواهد دید.^۲ با این حال، دست‌اندازی‌های کلان از آن‌ها گزارش شده است.^۳ آنان نقره‌ها و چوب‌های پلکان کعبه، اهدایی کلب علیخان نایب السلطنه رامفور هند به سال ۱۳۰۰ق. را به خود اختصاص دادند.^۴ نیز مظفر امیر یمن به سال ۶۵۹ق. هنگام ادای مناسک حج، دری را با ورقه‌هایی از نقره به وزن ۶۰ رطل به کعبه اهدا کرد که بنی‌شیبیه آن را تصاحب کردند.^۵

در کنار این موارد، بنی‌شیبیه از کمک‌های برخی از حاکمان بهره‌مند می‌شدند. از جمله هنگام حضور حاکم یمن در مکه، از جمله مسعود حاکم یمن در مکه (۶۱۹-۶۲۶ق.) در برابر دریافت کمک‌های مالی، ورود حاجیان به درون کعبه را آسان‌تر ساختند و در طول ایام حج، شب و روز در آن را باز گذاشتند. اما پس از رفتن ملک مسعود، باز به همان روش

گذشته برگشتند.^۶ این شیوه در دوران حکمرانی مماليك نیز ادامه یافت. جامه‌ای که سلطان ناصر محمد بن قلاوون به سال ۷۲۶ق. از مصر به مکه معظمه^۷ فرستاد و نیز هدایا و جامه‌هایی که برای کعبه از سوی دیگر حاکمان مصر و یمن به سال ۷۴۹ق. ارسال شد، در اختیار بنی‌شیبیه قرار گرفت و آن‌ها جامه‌های پیشین کعبه را میان خود تقسیم کردند.^۸

هنگامی که به دستور سلطان سلیمان عثمانی (۹۶۴ق.) در کعبه را با ورقه‌ای از نقره تزئین کردند، هزار اشرفی در برابر نقره‌ای که از روی در کهن آن برداشته شده بود، به بنی‌شیبیه داده شد.^۹ نیز به سال ۹۶۲ق. شیبی‌ها ناودان طلای ارسالی حاکم مصر را جایگزین ناودان نقره‌ای کردند و ناودان نقره‌ای را در برابر ۲۰۰ اشرفی به خزانه سلطنتی استامبول ارسال نمودند.^{۱۰} افزون بر این درآمد، پرداختن به تجارت و بهره‌برداری از نخلستانی بزرگ به نام ریمه نزدیک مدینه و باغ‌هایی در طائف، همواره موقعیت اقتصادی این طایفه را استحکام می‌بخشید.^{۱۱}

۶. تاریخ مکه، ص ۲۹۳.

۷. کعبه و جامه آن، ص ۱۱۰.

۸. آثار البلاد، ص ۱۱۵؛ کعبه و جامه آن، ص ۱۱۱، ۲۸۵.

۹. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۷۶.

۱۰. منافع الکرم، ج ۳، ص ۳۵۰؛ مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷.

تاریخ مکه، ص ۶۲۸.

۱۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۴.

۱. اعلام الانام، ص ۴۷.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. التاريخ القويم، ج ۴، ص ۴۹۷.

۴. التاريخ القويم، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۵. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۹۰.

از میان بنی شیبیه، برخی راوی حدیث پیامبر بودند؛^۱ از جمله: شیبیه بن عثمان^۲، عطاء شیبی^۳، عبدی^۴، صفیه بنت شیبیه که از عایشه، ام سلمه و ام حبیبیه همسران پیامبر ﷺ حدیث روایت نمود^۵، عبدالملک حبیبی^۶، عبدالحمید بن جبیر بن شیبیه، موسی بن عبدالملک^۷، و احمد بن دیلم شیبی^۸.

سکونت بنی شیبیه در مکه تا کنون ادامه دارد.^۹ برخی از شیبی ها افزون بر داشتن منصب حجاب کعبه و قضاوت مکه، صاحب تألیف نیز بودند؛ از جمله جمال الدین ابوالمحاسن شافعی در قرن هشتم ق. که در دانش تاریخ صاحب نظر بود و کتاب *طبیب الحیاة*، مختصر *حیاة الحیوان* از تألیفات او است.^{۱۰}

درباره بنی شیبیه تکیه نگاری هایی نگارش یافته که از آن جمله به این موارد می توان اشاره کرد: *طبقات حجة الکعبه* از سید حسین بن حیدر هاشمی، *السلسلة الذهبیة فی الشجرة الشیبیة* از عبدالستار دهلوی صدیقی، *الفرائد*

العجیبة فی نسب بنی شیبیه از سید ابی الحسین علی بن احمد علوی ترمیمی (م. ۹۷۱ ق.).^{۱۱} باسلامه نسب نامه ای از بنی شیبیه را در مکه یافته و همراه تطبیق آن با کتاب *حجة الکعبه* این دو را افزوده و منتشر ساخته است. جدول زیر برگرفته از کوشش باسلامه است. البته در نسب نامه ها، نام برخی از پرده داران نیامده است. غانم و علی فرزندان غانم بن محمد بن مفرج و نیز محمد بن علی که نسب آن ها به یحیی بن عبیده بن حمزه می رسد و همچنین احمد الطیب از فرزندان سراج الدین بن علی از آن جمله هستند.^{۱۲} (جدول شماره ۲)

◀ منابع

آثار البلاد: زکریا بن محمد القزوینی (م. ۸۲۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸ م؛ *اتحاف الوری*: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۸ ق؛ *اخبار مکه*: الازرقی (م. ۲۴۸ ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافه، ۱۴۱۵ ق؛ *اخبار مکه*: الفاکهی (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ ق؛ *الارج المسکی فی التاریخ المکی*: علی عبدالقادر الطبری (م. ۱۰۷۰ ق.)، به کوشش الجمال، مکه، المکتبة التجاریه، ۱۴۱۶ ق؛ *الاستبصار فی عجائب الامصار*: کاتب مراکشی (م. قرن ۶ ق.)، به کوشش سعد زغلول، بغداد، دار الشؤون الثقافیه، ۱۹۷۶ م؛ *الاستیعاب*: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش البجاولی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق؛ *اسد الغابه*:

۱. نک: *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۳۶۹؛ *الانساب*، ج ۸، ص ۲۰۸؛ *الاصابه*، ج ۱، ص ۵۱۵؛ ج ۸، ص ۱۵۵.
۲. *تاریخ طبری*، ج ۱۱، ص ۵۵۶.
۳. *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۲۴۰؛ *الاصابه*، ج ۵، ص ۲۰۹.
۴. *الاصابه*، ج ۸، ص ۲۱۳.
۵. *اسد الغابه*، ج ۳، ص ۴۰۶.
۶. *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۳۶۹؛ *امتاع الاسماع*، ج ۲، ص ۲۷۷.
۷. *العقد الثمین*، ج ۳، ص ۱۰۹.
۸. *تاریخ مکه*، ص ۶۶۵.
۹. *شذرات الذهب*، ج ۹، ص ۳۲۵.

۱۰. کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، ص ۱۳۲.

ابن اثیر (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق؛
الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به
 کوشش علی معوض و عادل عبدالموجود، بیروت،
 دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ **اعلام الانام بتاریخ**
بیت الله الحرام: محمد صالح الشیبی
 (م. ۱۳۳۵ ق.)، به کوشش اسماعیل احمد، مکه،
 جامعه ام القرى، ۱۴۰۵ ق؛ **امتناع الاسماع**:
 المقریزی (م. ۸۴۵ ق.)، به کوشش محمد
 عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق؛
انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به
 کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر،
 ۱۴۱۷ ق؛ **الانساب**: عبدالکریم السمعانی
 (م. ۵۶۲ ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد،
 دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق؛ **البرهان فی**
تفسیر القرآن: البحرانی (م. ۱۱۰۷ ق.)، قم، البعثة،
 ۱۴۱۵ ق؛ **تاریخ ابن خلدون**: ابن خلدون
 (م. ۸۰۸ ق.)، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دار
 الفکر، ۱۴۰۸ ق؛ **تاریخ الاسلام و وقایات**
المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش عمر
 عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ ق؛
التاریخ التویم: محمد طاهر الکردی، به کوشش
 ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ ق؛ **تاریخ**
الکعبة المعظمه: حسین عبدالله باسلامه، جده،
 تهامه، ۱۴۲۰ ق؛ **تاریخ خلیفه**: خلیفه بن خیاط
 (م. ۲۴۰ ق.)، به کوشش فواز، بیروت، دار الکتب
 العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و**
الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش محمد
 ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **تاریخ**
مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ ق.)، به کوشش
 علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ **تاریخ**
مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه: احمد
 السباعی (م. ۱۴۰۴ ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران،
 مشعر، ۱۳۸۵ ش؛ **تاریخ یعقوبی**: احمد بن
 یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ ق؛

تحصیل المرام: محمد بن احمد الصباغ
 (م. ۱۳۲۱ ق.)، به کوشش ابن دهیش، ۱۴۲۴ ق؛
تفسیر سمرقندی (بحر العلوم): السمرقندی
 (م. ۳۷۵ ق.)، به کوشش عمر بن غرامه، بیروت،
 دار الفکر، ۱۴۱۶ ق؛ **تفسیر المظهری**: محمد
 المظهری، به کوشش غلام نبی، پاکستان، مکتبه
 رشدیه، ۱۴۱۲ ق؛ **تهذیب الکمال**: المزی
 (م. ۷۴۲ ق.)، به کوشش بشار عواد، بیروت،
 الرساله، ۱۴۱۵ ق؛ **جمهره انساب العرب**: ابن حزم
 (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت،
 دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ **الجوهرة فی نسب**
النبی: محمد البری (م. قرن ۷ ق.)، به کوشش
 التونجی، ریاض، دار الرفاعی، ۱۴۰۳ ق؛ **دلائل**
النسوة: البیهقی (م. ۴۵۸ ق.)، به کوشش
 عبدالعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق؛
رحلة ابن جبیر: محمد بن احمد (م. ۶۱۴ ق.)،
 بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۶ م؛ **سبل الیهدی**:
 محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ ق.)، به
 کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار
 الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق؛ **سفرنامه حجاز**: محمد
 لبیب البتنونی، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر،
 ۱۳۸۱ ش؛ **السیرة النبویه**: ابن هشام
 (م. ۲۱۳/۲۱۸ ق.)، به کوشش السقاء و دیگران،
 بیروت، دار المعرفه؛ **سیره ابن اسحق (السير و**
المغازی): ابن اسحق (م. ۱۵۱ ق.)، به کوشش
 زکار، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی،
 ۱۳۶۸ ش؛ **شذرات الذهب**: عبدالحی بن العماد
 (م. ۱۰۸۹ ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار
 ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق؛ **شرح نهج البلاغه**: ابن
 ابی الحدید (م. ۶۵۶ ق.)، به کوشش محمد
 ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق؛
شرف النبی: ابوسعید واعظ خرگوشی
 (م. ۴۰۶ ق.)، به کوشش روشن، تهران، بابک،
 ۱۳۶۱ ش؛ **شفاء الغرام**: محمد الفأسی

(م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین**: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ **عمدة الطالب**: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش آل الطالقانی، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ **عین العبره**: احمد آل طاووس (م. ۶۷۷ق.)، قم، دار الشهاب؛ **الغارات**: ابراهیم الثقفی الکوفی (م. ۲۸۳ق.)، به کوشش المحدث، بهمین، ۱۳۵۵ش؛ **الفتوح**: ابن اعثم الکوفی (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ **قلائد الجمعان**: احمد القلقشندی (م. ۸۲۱ق.)، به کوشش الابیاری، دار الکتب المصری، ۱۴۰۲ق؛ **کعبه و جامه آن از آغاز تا کنون**: محمد الدقن، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ **کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ**: محمد طاهر کردی، ترجمه: انصاری، ۱۴۱۹ق؛ **الکافی**: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **محاضرة الابرار**: ابن عربی (م. ۶۳۸ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ **المحبر**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ **مرآة الحرمین**: ابراهیم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ **مروج الذهب**: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **مسالك الابصار**: احمد بن فضل الله العمری (م. ۷۴۹ق.)، به کوشش الشاذلی، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۳ق؛ **مصباح الحرمین**: عبدالجبار شکوئی (قرن ۱۴)، به کوشش طباطبایی، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ **نسب**

قریش: مصعب بن عبدالله الزبیری (م. ۲۳۶ق.)، به کوشش بروفسال، قاهره، دار المعارف؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **معجم قبائل العرب**: عمر کحّاله، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ق؛ **المغازی**: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ **منائح الکرم**: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۱۲۵ق.)، به کوشش المصری، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۱۹ق؛ **المنیظم**: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ **المنطق**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق؛ **موسوعة العتبات المقدسه**: جعفر خلیلی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۷ق؛ **نهاية الارب**: احمد النوری (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق؛ **السوافی بالوفیات**: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید رضا هدایتی؛ گروه تاریخ



بنی‌ضمّره: از قبایل عدنانی هم‌پیمان

پیامبر ﷺ

بنی‌ضمّره فرزندان بکر بن عبد مناة از تیره‌های قبیله کنانه هستند که منسوبان به آن را ضَمْرَى گویند.^۱ سه قبیله بنودیل، بنی‌لیث و غُریج از قبایل هم‌عرض و بنی‌غفار از

۱. الانساب، ج ۴، ص ۲۰؛ اللباب، ج ۲، ص ۲۶۴.